

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح **ایران** • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشتریان: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۲ • ۶ محرم ۱۴۴۵ • ۲۴ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۰۹ • ۱۲ صفحه
ادان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • ادان مغرب ۱۹:۳۶
ادان صبح فردا ۳:۲۷ • طلوع آفتاب ۵:۰۷

# شترق

دیالوگ روز

**اطلس ایر- برادران - خواهران واجوسکی - ۲۰۱۲**

درموت هاگینز (تام هنکس)، ترس، آزادی و عشق، نیروهایی که روند زندگی ما را تعیین می‌کند، قبل از تولد ما شروع شده‌اند و بعد از مردن ما نیز ادامه دارند.

سونمی – ۴۵۱ (بایی دونا): من معتقدم مرگ فقط یه در که وقتی بسته می‌شه در دیگه‌ای باز می‌شه!

تیموتی کاوندیش (جیم برودبنت): من به آزادی ایمان دارم. آزادی، طنین برسروصدای تمدن ماست اما فقط کسانی که از اون محروم شدن، از حقیقت آزادی آگاه هستند.

# برای آنها که با مرگ خود خواسته می‌روند

کشته شده‌اند؛ چون آنجا خانه بابک خرم‌دین بوده است!

مرضیه نمی‌دانستم که درست همان وقت من نیز در حال نوشتن وصیت‌نامه و انتخاب مرگ بودم. اما این کار را در خانه انجام نمی‌دهم، نمی‌خواهم اگر روزی مسیحا به ایران برگشت، در خانه‌ای زندگی کند که مادرش در آنجا مرگ را تجربه کرده است. قرارم این است که به جایی دور بروم. حتی فکر می‌کنم هیچ چیز با خود نبرم و یک جسد گمنام باشم. فقط چند خط نوشته کوتاه. از هرگونه مراسمی بیزارم. به‌طور مطلق می‌خواهم همه چیز در یکی، دو ساعت تمام شود. هیچ‌کس خبردار نشود و هیچ‌کس نیاید. اصلا چیزی نشده که کسی بیاید.

در حال نوشتن همین جزئیات هستم که تلفنم زنگ می‌خورد. شماره را نمی‌شناسم. می‌گوید من مه‌رانه هستم. می‌گویم ببخشید، به جا نمی‌آورم. خسته‌ام. بی‌حوصله و در غمناک‌ترین حالت ممکن. دوباره اسمش را تکرار می‌کنم و من هنوز به یاد نمی‌آورم. دلم می‌خواهد گوش‌ی را قطع کنم. حوصله‌ای برای به یاد آوردن هیچ اسمی ندارم. چه اشکالی دارد اگر تلفن‌ن را بی‌خداحافظی قطع کنم یا بخواهم وقت دیگری، اگر هنوز زنده باشم، تلفن کند. بعد صدای پشت‌خط یک‌دفعه می‌گوید پوراحمد هستم. نشناختی؟ همسر کیومرث و من یکباره تمام وجودم به آتش کشیده می‌شود و در تلفن زار می‌زنم. می‌گویم شما درست لحظه‌ای رنگ زدید که من در حال نوشتن وصیت‌نامه هستم و تصمیم به همان کاری دارم که آقای پوراحمد انجام داده‌اند. حالا صدای اوست که تبدیل به فریاد می‌شود. اوست که می‌خواهد خشمگین من را از زیر پای مرگ بیرون بکشد. درست مثل همکارم که در اکتان‌نایل خرید خانه بود. می‌گویم آهان، بی‌حوصله‌ام و نمی‌دانم چه چیزی مرضیه آرام را خـب. بی‌حوصله‌ام و نمی‌دانم چه چیزی مرضیه آرام را دچار هیجان کرده. همکارم روی یک نیمکت نشسته بوده و همین‌طور داشته فکر می‌کرده که با این پول چه کار کند که حتما در اکتانان خانه بخرد!

یک‌دفعه یک جوان افغانستانی که در همان شهرک کار

می‌کند و همکار من را می‌شناخته، سلام و علیک می‌کند و می‌پرسد، خیر باشد. در فکری!

او هم می‌گوید دنبال خانه می‌گردم. پسر جوان می‌گوید بیا جایی را به تو معرفی کنم که دو میلیارد زیر قیمت می‌خواهند بفروشند! و بعد می‌گوید فلان بلوک، فلان بناگاهی. همکار مرضیه فوراً رفته و دیده بلسه، خانه‌های با این مشخصات برای فروش گذاشته شده و واقعا زیر قیمت است؛ اما خانه باید حسابی روبه‌راه و تمیز شود و مهم‌تر آنکه حتما وان آن عوض شود؛ چون در وان حمام چند نفری ترخ سه محصول خود متعزز اند و می‌گویند؛ وقتی دولت خود



• مراسم فرق‌شکنی آب‌بن‌دان از رسوم دیرینه مردم استان مازندران است که معمولا یک روز پس از آبیاری زمین‌های کشاورزی روستایبان با انواع وسایل ماهیگیری به آب‌بن‌دان می‌روند و ماهی صید می‌کنند. عکس: اکبر قاسم پور، باشگاه خبرنگاران جوان

**دغدغه‌های طبیعی**

## هر که در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش مپرسید



**عبدالرضا ناصرمقدسی**

**متخصص مغز و اعصاب**

چهارشنبه روزهی بود که با همسرم خسته از هر آنچه این روزها در کشورمان می‌بینیم و می‌شنویم دل به جاده سیردیم و راهی بسطام و خرقان شدیم. دانشجو بودم که برای اولین بار با دوستی عزیز به زیارت بازدید بسطامی و ابوالحسن خرقانی رفتم. از آن روز بسیار گذشته و اتفاقات بسیاری افتاده است. از آن روز آدمیان بسیاری را دیده‌ام و حوادث زیادی را تجربه کرده‌ام. اکنون ما خسته از همه اینها باز من و همسرملجایی بهتر از مزار بازدید و ابوالحسن نیافتیم پس راهی دیار شاهرود و قصبه‌های اطرافش شدیم. مزار بازدید عوض شده بود. سنگ قبری زیبا گذاشته بودند. در آن فضا زیارتی کردیم و دست بر قضا با جلوه‌های دیگری از این مزار آشنا شدیم. رهگذری ورودی قدیم این مزار را به ما نشان داد: جایی که به گفته او شاگردی از شاگردان بازدید دفن بود و خاک راه کسانی می‌شد که به زیارت اسدانش می‌آمدند. طبق گفته آن رهگذر، شاگرد وصیت کرده بود که چند پله پایین‌تر از مزار بازدید دفن شود که در نظر شاگرد مقام استاد بسیار والاتر از این حرف‌ها بود. او باید تنها تنها پایین‌تر از استاد دفن شود، بلکه مزارش خاک قدم‌هایی باشد که به دیدار بازدید می‌شتابند. از خود خجالت کشیدم که کجا این‌گونه حرمت استادانم را حفظ کرده‌ام؟

مزار بازدید حال و هوایی داشت. بعد از اینکه لختی در آن فضا کشتیم و نفس کشیدیم راهی خرقان شدیم؛ جایی که بازدید گفت «بوی مردی می‌شنوم، مردی بود نام او علی و کنیت او ابوالحسن؛ به درجه از من پیش بود، بار عیال کشد و کشت کند و درخت نشانه».

آنجا هم تغییر کرده بود. یادم هست بار قبل در بدو ورود بی‌هیچ پرستی کلوجه و استکان چایی به ما دادند زیرا بوالحسن گفته بود:

«هر کس که در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش مپرسید.

چه آن‌کس که بدرگاه باری تعالی به جان ارزد.

البته بر خوان بوالحسن به نان ارزد».

ایـن بار اما خبری نبود. انکار از آن گفته بوالحسن فقط خطی و تابلویی باقی مانده بود. وقتی بر مزارش دیدم از آن کلوجه و جای خبری نیست دلم گرفت. فهمیدم که قضاوت درباره آدمیان بر اساس ایمان و مراسمان انکار خیلی ریشه‌دارتر از چیزی شده که تصور می‌کنیم. باید به زیارت مزار بوالحسن از پشت شیشه اکتفا کنیم. چشم‌هایم را بستم. هنوز آن بویی را که بازدید می‌گفت می‌شد استنشام کرد. به این بو دلم را خوش کردم. هنوز بوالحسن اینجاست و هنوز این خاک بوی مردی را می‌دهد که جان آدمیان از ایمانشان برای او بسیار باارزش‌تر بود. پس هر که به سرای من نیز درآید به افتدا از او نانش می‌دهم و از ایمانش نمی‌پرسم. اگر بیماری باشد درمانش می‌کنم و از ایمان و مراسم نمی‌پرسم که هر کس در نزد باری تعالی به جانی ارزد البته نزد بوالحسن به نانی ارزد و من که باشم که دیگرگونه بیندیشم.

**زمین خوانی**

## انسان‌ها زمین را گرم کردند

دانشمندان سراسر دنیا نگران تغییرات اخیر در وضعیت آب‌وهوایی و افزایش دمای زمین هستند و برخی از آنها باور دارند که انسان‌ها بدون شک در بروز این تغییرات اثرگذار بوده‌اند.
ظاهرا افزایش استفاده از گازهای گلخانه‌ای موجب شکسته‌شدن چهار رکورد زیست‌محیطی در سال ۲۰۲۳ شده است.

دیجیاتو مطلبی از بی‌بی‌سی را ترجمه کرده که طبق آن اعلام شده است «انسان‌ها بدون شک در افزایش بی‌سابقه دمای زمین نقش داشته‌اند».

دانشمندان می‌گویند شکسته‌شدن رکورد دمای زمین در چند وقت اخیر، مطمئنا تحت تأثیر فعالیت‌های انسانی بوده است.

خبرگزاری بی‌بی‌سی در گزارشی از چندین دانشمند و متخصص محیط زیست درباره گرمایش جهانی و تغییرات اقلیمی صحبت کرده است.
امسال یکی از گرم‌ترین سال‌های تاریخ بوده و تاکنون چهار رکورد را شکسته است: گرم‌ترین روز تاریخ، گرم‌ترین ماه ژوئن در سراسر دنیا، شدیدترین امواج گرما در دریاها و کاهش بی‌سابقه یخ‌های شاور در شمالگان.

میانگین دمای جهان برای اولین‌بار در تاریخ در تیرماه به رکورد ۱۷ درجه سلسیوس رسید و محققان باور دارند که انسان‌ها با استفاده بیش‌ازپیش از گازهای گلخانه‌ای عامل این گرمایش بوده‌اند.
دکتر «فریدریکه اوتو» از ایمپریال کالج لندن می‌گوید:

«انسان‌ها صددرد عامل این روند افزایشی بوده‌اند».
او توضیح می‌دهد: «اگر از چیزی شوکه شده باشم، آن چیز شکسته‌شدن رکوردها در ماه ژوئن، یعنی این‌قدر زود در سال بوده

**اقتصادخوانی**

## لبنیات؛ کالای لوکس سفره خانوار

افزایش قیمت چندباره تولیدات صنایع لبنی در سال‌های گذشته، هزینه سنگینی بر دوش خانوارهای ایرانی وارد کرده است، به طوری که در شرایط فعلی اقتصار ضعیف جامعه‌که اتفاقا اکثریتی را هم تشکیل می‌دهند، قادر به خرید محصولات لبنی نیستند و سفره مردم در حال خالی‌تر از گذشته می‌شود. این در حالی است که لبنیات یکی از اصلی‌ترین منابع پروتئینی و مهم‌تر از آن، تأمین‌کننده کلسیم مورد نیاز افراد است و اهمیت آن در اینجاست، که شیر تنها ماده غذایی است که دو روز جهانی در تقویم سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی به نام خود دارد؛ یکی روز جهانی شیر و دیگری روز جهانی شیر مدرسه. به گفته محمدرضا بنی‌طبا، سخنگوی انجمن صنایع فراورده‌های لبنی کشور، سرانه مصرف شیر در ایران ۷۰ کیلوگرم برای هر فرد است. این در حالی است که در سند چشم‌انداز قرار بود سرانه مصرف لبنیات به استاندارد جهانی یعنی همان ۱۶۰ کیلوگرم در سال برسد؛ هدفی که در میانه دهه ۸۰ با اجرای طرح‌هایی همچون توزیع شیر در مدارس، به حدود ۹۵ کیلوگرم در سال رسیده بود. به گفته کارشناسان، یکی از اصلی‌ترین دلایل کاهش سرانه مصرف، افزایش قیمت شیر خام است که پس از کش‌وقوس‌هایی که میان دولت و بخش خصوصی درگرفت، در سال جاری قیمت مصوب هر کیلو شیر خام از ۱۲ هزار تومان به ۱۵ هزار تومان افزایش یافت که در نهایت منجر به گرانی ۳۵درصدی قیمت لبنیات شد. این در حالی است که فعالان صنعت لبنیات نیز در خصوص تعلل دولت در اعلام نرخ سه محصول خود متعزز اند و می‌گویند؛ وقتی دولت خود